



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن این نوشته به دوش خود نویسنده میباشد



۲۰۱۷/۱۱/۲۰

رسول پویان

صلح خیالی و صلح واقعی در افغانستان

یادداشت ناشر: این مقاله عالی، ملی و آموزنده به قلم توانای شاعر و نویسنده عالیجاه جناب "رسول پویان" در سال ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق ۲۰۱۳ میلادی در باره حالت اسفناک وطن نوشته شده و در اکثر رسانه های چاپی و اینترنتی نشر شده بود. وقتی حالات امروز وطن را با این همه بی امنیتی، بیکاری و دربدری مردم و کشتار بی گناهان با انفجاری و بم گذاری می بینیم جا دارد که این نوشته عالی را دوباره به نشر برسانیم تا وجدان رهبران حکومت دو منزله را بیدار کند و به مسئولیت شان ملتفت سازد.

قسمت دوم و اخیر

اگر نگاهی به چوکی نشینان فعلی، سرمایه داران و منتظران قدرت در وطن بیفکنیم دیده می شود که نه تنها طالبان به سان آوارگان بی وطن در پاکستان زندگی می کنند و با پاسپورت های پاکستانی به کشورهای خارجی از جمله قطر سفر می کنند؛ بلکه بیشترین تاجران و سرمایه داران عمده افغان نیز تابعیت و پاسپورت پاکستانی دارند. آنها با هویت و پاسپورت پاکستانی در دبی، قطر و دیگر کشورهای خارجی تجارت می کنند. بسیاری از آنان دو خانگی اند. اگر ضرورت باشد از تذکره و پاسپورت افغانی نیز کار می گیرند. بیشتر سران تکنوکرات و تحصیل کردگان که بر ارگ کابل حلقه زده و چوکی های مهم را اشغال کرده اند، نیز تابعیت دوگانه می داشته باشند. این ها از راه رشوه و اختلاس صاحب ملیون ها دالر شده اند. بیشتر پول های آن ها در بانک های خارج نگهداری می شود. در دهه های اخیر پول های باد آورده مواد مخدر و کمک های خارجی (دالر، پوند، یورو، ریال و غیره) خیلی شیرین تر از وطن دوستی و استقلال طلبی شده است؛ این بی علاقتی به سبب گسترش بحران و انارشیزم جاری و پخش روحیه یأس و ناامیدی به حال و آینده کشور، در بین تمام اقوام و ساکنان کشور شیوع پیدا کرده است. در این برهه زمان تاریخی و حساس که در کشور کمتر دلی برای آزادی و نجات وطن می تپد و سران حکومت به چور و چپاول کمک های خارجی، دارایی های عامه، اختلاس، رشوه گیری، قوم پرستی، تبعیض و ندانم کاری معتاد

شده اند، سران پاکستان برای تسلط بر افغانستان پلان منظم ستراتیژیک با تاکیک های خیلی انعطاف پذیر دارند. آنان بیش از یک دهه است که ابتکار عمل در قضیه افغانستان را فرا چنگ داشته و سران ناتو به رهبری ایالات متحده آمریکا را به دنبال خود می کشند. سران دولت افغانستان به ریاست هیچگاه موضع روشن و معین با مخالفان از جمله طالبان نداشته اند.

پروسه صلح بدون تعریف مشخص از مخالفان، بدون اتخاذ مواضع شفاف و استوار با آنان و بدون پالیسی ستراتیژیک مبنی بر منافع تمام ساکنان کشور، هیچ نتیجه موفقانه بی ندارد.

تجارب تاریخی به اثبات رسانیده است که سران پاکستان هیچوقت به قول شان وفادار نبوده و همواره وقت را تلف کرده اند. آنان با سران ناتو، ایالات متحده آمریکا و برتانیه پیمان ستراتیژیک دارند؛ بارها به هم پیمانان ستراتیژیک خود قول های میان خالی داده و از موقف ستراتیژیک خود با دوستان غربی و ضعف مفرط دولت کابل به حیث یک وسیله استفاده کرده اند. پاکستانی ها هر وقت که وعده بی داده و قول و قراری بسته اند؛ باز برای شانه خالی کردن از آن متوسل به ترفند های جدید و دسیسه های خود ساخته شده و همه را بازی دادند. هدف پاکستانی ها از این وقت تلفی ها و موش و پشک بازی ها جلوگیری از اتحاد ملی و شیرازه گیری سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پاک، دلسوز، فعال، مردمی و ملی در افغانستان است. طرح شامل سازی طالبان و دیگر مخالفان در نظام سیاسی آینده افغانستان در این راستا صورت می گیرد.

برای سران ناتو و آمریکا تأمین منافع شان مهم است. پاکستانی ها همواره تلاش کرده اند که خود و دست پروردگان خود را حامیان منافع غرب در افغانستان معرفی کنند. سران ناتو و آمریکا همیشه در مقابل اعمال پاکستانی ها مسامحه و نرمش کرده و موضع شفاف و قاطع نگرفته اند. تا هنوز سران حکومت کابل نتوانستند اند بر مبنای یک ستراتیژی مشخص و مفید روابط کشور را با همسایگان و کشور های منطقه و جهان هم آهنگ سازند و ظرفیت اعتماد سازی در سطح منطقه و جهان برای افغانستان به دست آورند. سران ناتو به رهبری آمریکا به پاکستان احتیاج دارند و این خواهی خواهی می تواند اعتماد به وجود آورد.

سران پاکستان اخیراً شرایطی را شاگردک (مطرح) کردند و باز از آن انکار نمودند. این شرایط عبارت بود از: قطع روابط دولت افغانستان با هندوستان، دادن سهم کافی به طالبان در نظام سیاسی آینده افغانستان و آموزش افسران نظامی کشور در پاکستان. هرگاه به تجربه آموزش افسران نظامی افغانستان در شوروی سابق نظر اندازیم به روشنی کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ در مقابل چشمان آدم مجسم می شود. سران پاکستان در خیال آنند که طرح شامل سازی طالبان را در دولت و آموزش افسران افغانستان را با کودتا های نظامی در آینده همراه سازند و قدرت را در کشور ما به زور تصاحب کنند. پافشاری طالبان به خروج قوای خارجی نه به خاطر احساس وطن دوستی و تضمین استقلال میهن است، بلکه جهت هموار نمودن راه برای سلطه بی قید و شرط پاکستان و اشغال افغانستان به زور سلاح و طرق دیگر نظامی می باشد که ما مثال تباه کننده آن را در زمان استبداد طالبان مشاهده کردیم. در آن وقت پاکستانی ها پشتیبانی جهان غرب به سرکردگی آمریکا را نیز با خود داشتند.

نه تنها سران سیاسی و نظامی پاکستان به قول و قرار خود وفادار نیستند، بلکه مولانا طاهر اشرفی رئیس شورای

سرتاسری علمای پاکستان نیز از آنها پیروی می کند. یک بار اعلان می نماید که جهاد مسلحانه (عملیات انتحاری) در افغانستان روا می باشد؛ اما در کشور خودش پاکستان این عملیات را ناروا می داند.

این همان یک بام و دو هوای مثل مشهور قدیمی است.

وقتی این موضع ضد حقوق بشری و کاملاً تبعیض آلود و ظالمانه از جانب علمای افغانستان و جهان مورد انتقاد قرار گرفت؛ این روحانی نشنالیزست از گفته خود انکار کرد. به این ترتیب معلوم می شود که سیاست ستراتیژیک پاکستان در افغانستان همانا تداوم جنگ، خشونت، ناامنی و بحران آفرینی های مصنوعی می باشد؛ یعنی یا سلطه بی چون و چرای پاکستان و یا جنگ و بحران دایمی در کشور بلا کشیده ما.

تجارب تلخ تاریخی که به قیمت خون مردم بی گناه ما، حیف و میل می یارد ها دالر کمک های خارجی، چور و چپاول دارایی و ثروت های عامه و چپبرگی وضعیت بحرانی و متزلزل جاری به دست آمده، ثابت کرده است که با تعصبات قومی، انحصار طلبی، نادیده گرفتن حق و حقوق اکثریت مردم کشور، رفتارهای خام و احساساتی، وجود فساد اداری، خویش خوری، ضعف و بی کفایتی، مشکلات کلان افغانستان هرگز حل نمی شود.

از این بیشتر وقت گران بهای مردم کشور را تلف کردن نه تنها گناه نابخشودنی است، بلکه وطن، مردم، دست آوردها و میراث گران بهای این سرزمین تاریخی را به باد فنا می دهد.

حالا برای حل مشکلات داخلی و خارجی ضرورت به تمرکز انرژی ها و سهم سازی تمام اقوام، نیروهای متنوع سیاسی، روشنفکران، شخصیت های پاک و صادق، میهن دوست، متخصص، کاردان، متفکر، باتجربه، عالم و دانشمند در زیر سقف بزرگ سیاسی، فکری و سازندگی، جهت نجات میهن از بحران کشنده جاری و هرج و مرج هستی سوز و ویرانگر می باشد. همه با هم باید در راه برگزاری انتخابات آزاد، شفاف و عاری از تقلب تلاش کنیم و با یک حرکت وسیع و جنبش بزرگ مردمی با انحصار طلبی، فساد اداری، اختلاس، تقلب، مافیسم، بی عدالتی، حق تلفی و زورگویی به مبارزه عملی برخیزیم.

زیرا بدون شکل و شیرازه بندی سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پر ظرفیت، باکفایت و قوی، مقابله با مشکلات داخلی و خارجی غیر ممکن است.

این مهم در سطح ملی با انتخاب رئیس جمهور متفکر، پاک، دلسوز، کاردان، شجاع و باکفایت و تشکیل کابینه بی از اشخاص پاک، صادق، متخصص، وطن دوست و فداکار به دست آمده می تواند.

صلح واقعی و عملی فقط و فقط از این طریق به حاصل آید. هرکس و هر نیرویی که در مقابل این ضرورت تاریخی میهن و در برابر این نیاز مبرم و حیاتی مردم به ایستد و در پی برآورده سازی اهداف شخصی، قومی و گروهی خود برآید نه تنها بر دار مجازات تاریخ حلق آویز می شود، بلکه با طغیان سیل خروشان و بنیانکن مردمی نیست و نابود می گردد. بهار ۱۳۹۲ هجری شمسی. پایان

قسمت اول این مطلب عالی و ملی را به کمک لینک آتی مطالعه فرمائید:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Rassul_poyan_solh_khiyali_solh_waaqeeii-dar_afg.pdf